

عمون گند

(مجموعه شعر به کوشش محلی شهبازی)

www.ketab.ir

دکتر غلامرضا کافی

عضویت علمی دانشگاه شیراز



سرشناسه: کافی، غلامرضا، ۱۳۴۶-
 عنوان و نام پدیدآور: عمون کنگ: (مجموعه شعر به گویش محلی شهر بابکی) / غلامرضا کافی؛
 با حمایت روابط عمومی مجتمع مس شهر بابک.
 مشخصات نشر: کرمان: مرکز کرمان شناسی: بنیاد ایران شناسی، ۱۴۰۱.
 مشخصات ظاهری: ۱۲۵ ص.؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م.
 شابک: ۶-۴۵-۷۰۱۱-۶۲۲-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 عنوان دیگر: مجموعه شعر به گویش محلی شهر بابکی. موضوع: شعر کرمانی
 موضوع: Kermani poetry شناسه افزوده: مجتمع مس شهر بابک. روابط عمومی
 شناسه افزوده: بنیاد ایران شناسی شناسه افزوده: مرکز کرمان شناسی
 رده بندی کنگره: ۳۰۲۴ PIR رده بندی دیویی: ۹/۷۱ فا ۸ شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۵۲۶۰۱



بنیاد ایران شناسی

عنوان کتاب: عمون کنگ (مجموعه شعر به گویش محلی شهر بابکی)

مؤلف: دکتر غلامرضا کافی (عضو هیات علمی دانشگاه شیراز)

ناشر: مرکز کرمان شناسی با همکاری بنیاد ایران شناسی

با حمایت: روابط عمومی مجتمع مس شهر بابک

مدیر مسئول: سید محمدعلی گلایزاده

تنظیم و صفحه آرایی: لیلا گهرگزی

طرح روی جلد: مهسا مهربان

عکس های روی جلد: علیرضا کافی زاده کنگی

شابک: ۶-۴۵-۷۰۱۱-۶۲۲-۹۷۸

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۱

شماره انتشار: سیصد و سی و هفت (۳۳۷)

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: هنگام

حق چاپ برای ناشر و مؤلف محفوظ است

آدرس: کرمان - خیابان ابن سینا - مرکز کرمان شناسی. ۴-۸۱-۳۲۲۶۹۵۸۱-۳۴

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه روابط عمومی مجتمع مس شهربابک
۹.....	مقدمه ناشر
۱۳.....	مقدمه افسر فاضلی شهر بابکی
۱۷.....	زندگینامه‌ی علمی دکتر علامی صاحب‌کافی
۲۹.....	دفتر عَمَنون کَنگ
۲۹.....	مُنَظَره‌ی بی‌بی و کل سِکینه
۳۳.....	قِر توک
۳۷.....	دو وُلو (مترسک)
۴۰.....	خو تر سُو (کابوس)
۴۵.....	حیدر نامه
۴۹.....	بیجه

۵۲..... دفتر دختر ارباب

۹۵..... دو بیتی ها

۱۰۶..... دفتر به لهجه‌ی شهر

۱۰۶..... شهر بابک

۱۰۸..... نامه‌ی فدایت شوم

۱۱۵..... پدر

۱۱۸..... بهار در برهوت

۱۲۰..... غزل کرمان

۱۲۲..... شبانک

مقدمه ناشر

شعر، یکی از زیباترین رشحات اندیشه و تفکر انسان‌های دل آگاه، دانا و با احساس است. اثری که به آسانی در دل و جان آدمی می‌نشیند، او را محزون می‌سازد، غمش را زائل می‌کند، لبهایش را به خنده می‌گشاید، دلبه گانش را به اشک می‌نشانند، عشق را در دل او زنده می‌کند، با غزلی او را آرام می‌سازد، با شعری حماسی، آدمی را به جنب و جوش می‌اندازد و ... هر چه بخواهد، به انجام می‌رساند. شعر می‌تواند زمینه‌ساز فخر و بالندگی یک ملت باشد و قادر است تا از ارزش‌های جامعه پاسداری کند، آنگونه که این دو اصل اخیر را در روشنای غزل‌های حافظ و سروده‌های حکیم فردوسی، خدایگان شعر حماسی به روشنی می‌توان دید.

اما یکی از سرزمین‌هایی که مردم آن همواره با شعر و ادب و فرهنگ و فرزاندگی هم آغوش بوده‌اند، شهربابک است، آن طور که اگر بگوییم این دیار یکی از خاستگاه‌های خط و خوشنویسی، شعر و آواز، به شمار می‌رود، سخنی به گزاف نگفته‌ایم. مسئله اخیر آن چنان

جلوه و شکوهی داشته و دارد که هر جهانگردی از این شهر گذر کرد، با توقفی کوتاه و آشنایی با مردم این خطه، هنرهای آنان را تحسین کرد و نام بزرگ شهر بابک را بر پیشانی سفرنامه خود نقش زد.

بر این اساس، اگر در روزگار کنونی نیز تولیدات فرهنگی و هنری شهر بابک را قابل توجه یافتیم، چندان جای تعجب نیست، زیرا این مقوله، ریشه در تاریخ کهن آن دارد.

در این میان، آنچه توجه بیشتر مرا به خود جلب کرده، فرزاندگی و اخلاق شاعران و فرهنگ دوستان شهر بابک است، با این توضیح که چه بخواهیم و چه نخواهیم، ناگزیر به پذیرش این واقعیت هستیم که گاهی - حتی - در میان شاعران و هنرمندان، نوعی تنگ نظری دیده می شود و این احساس ناستوده تا آنجاست که در برخی موارد شاهد کارشکنی درباره همتایان آنها بوده ایم. اما در این خطه فرهنگ پرور، شاعره ای توانا - خانم افسر فاضلی شهر بابکی - که اتفاقاً پیش از شعر محلی و گردآورنده زبانزدها و اصطلاحات مربوط به شهر بابک است، نه تنها بر مجموعه اخیر رشک نمی برد و این خیال نادرست در او جان نمی گیرد که این اثر، جای آثار او را تنگ می کند، بلکه در نهایت بزرگواری، حتی پیش از آنکه سراینده این اشعار گرانسنگ، خواهان

اقدام شود، ایشان تماس گرفته و از سروده‌ها و سراینده، چنان تعریف می‌کند که گویی چاپ این اثر یکی از برترین اولویت‌های فرهنگی اوست.

بدون گرافه یادآور می‌شوم که مسئله اخیر، از جمله یادها و یادگارهای پنجاه ساله خدمت فرهنگی اینجانب به شمار می‌رود، فرازی که جفا بود اگر مطرح نمی‌شد.

باری شعرها و سروده‌های دکتر کافی را که خواندم، به حقانیت تعاریف خانم فاضلی بیشتر می‌بردم زیرا، نه تنها از استواری لازم برخوردار است، بلکه قاموسی از گویایی‌های بومی است که با کمال تأسف ارزش و اهمیت آنها در لابلای چرخ‌های زندگی ماشینی و ره‌آوردهای بیگانگان افتاده و اگر نگوییم جامه تهی کرده‌اند، دست کم آن اندازه رنگ باخته‌اند که نشانی از آنها نمی‌یابیم. بسی روشن است که اگر این مجموعه تنها گردآوری شده بود، تا این حد اهمیت نداشت، اما اینکه آن واژه‌ها در قالب شعر بیان شود و خواننده را بر سر شوق آورد و واژه واژه آن بر صحیفه دل و جان او نقش ببندد، اثرگذاری را چند برابر می‌سازد و سرانجام در لابلای آن سروده‌ها و

یا همان گویش و لهجه محلی، پندها و اندرزهایی عرضه می‌شود که
بر اعتبار و ارزش اثر، می‌افزاید:

اقدِ گر دولخ نکن، تو مال ای خاک و خلی
قِر نریز و قورت نیا، سر به هوای کاگلی

جور واجور لواس نبوش، تو تو پلاس بُزُر شدی
عطر و ادکلن نزن، بچه‌ی بویِ آغلی

و از این دست اشعاری که بر پاسداری از ارزش‌های نیاکان پای
فشرده و از پرداختن و گرایش به آنچه ره آورد غرب است، بر حذر
می‌دارد.

یکبار دیگر، خدا را سپاسگزارم که این توفیق را نصیب ساخت تا
سلام‌گوی مردم خوب شهر بابک بوده و گام دیگری در راه حفظ
ارزش‌های فرهنگی آن دیار بردارم.

سید محمد علی گلابزاده
مدیر مرکز کرمان‌شناسی